

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

بررسی مقوله حالت در گویش سمنانی

فرشته سراج^۱

اشرف سراج^۲

چکیده

حالت مقوله‌ای دستوری است که نقش اسم یا گروه اسمی را در جمله نشان می‌دهد، به عبارتی شکل اسم یا گروه اسمی از طریق تصریف تغییر می‌کند تا نقش‌ها یا حالت‌های متفاوت را نشان دهد. جملات و مثال‌ها از گویش سمنانی مؤید وجود نظام حالت است. حالت مستقیم و غیر مستقیم، حالت نمایی افتراقی گویای وجود نظام حالت در گویش سمنانی است. حالت‌نمایی در زبان‌های دارای نظام حالت توسط تکواژهای حالت، یا رابطه نماهای فعلی و یا توالی واژگانی صورت می‌پذیرد. تظاهر حالت در سمنانی نیز با استفاده از رابطه نماهای اسمی _ تکواژهای حالت نما _ در حالت مفعول مستقیم، غیر مستقیم و اضافی انجام می‌پذیرد، ضمن این که حروف اضافه، وظیفه اعمال حالت‌های بایی، ازی و دری را دارند. حالت فاعلی در مورد افعال لازم بی‌نشان است و حالت فاعل برای فاعل افعال متعددی در زمان گذشته، حالت متعدی است. در گویش سمنانی حالت کنایی در زمان گذشته وجود دارد. حالت کنایی، حالتی است که در آن فاعل فعل متعدی متمایز از حالت فاعل فعل لازم است. تکواژهای حالت نما یا رابطه نماهای اسمی شامل تکواژهای وندی و حروف اضافه می‌باشند.

واژگان کلیدی: گویش سمنانی، حالت‌های نحوی، حالت فاعلی، حالت مفعولی، جنس دستوری

۱- مقدمه

سمنان، شهرستانی در حاشیه شمالی کویر مرکزی ایران است که در فاصله ۲۲۰ کیلومتری پایتخت قرار دارد. مردمان این خطه به گویش ویژه ای تکلم می‌کنند که دارای خصوصیات قابل توجه ای است. گویش سمنانی از حدود ۱۵۰ سال پیش مورد توجه دانشمندان خارجی قرار گرفت (جواهری و پژوم، ۱۳۸۷: ۱). هوتوم شنیدلر^۳ آلمانی، دورن^۴ روسی، جیمز باست^۵ انگلیسی، مستر کری^۶ فرانسوی، ویلهلم گیگر^۷ و بریتکو^۸ بلژیکی از جمله کسانی بودند که در مورد گویش سمنانی مطالبی را نوشته بودند. تحقیقات این افراد بیشتر به صورت مقاله و یادداشت در خلال سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۹۱۴ که کریستن سن کار تحقیقی خود را در مورد سمنان، آغاز نمود؛ صورت پذیرفت (همان؛ عندلیب، ۱۳۸۵: ۸؛ صادقی، ۱۳۸۴:).

^۱ - کارشناس ارشد زبانشناسی همگانی، دبیر آموزش و پرورش شهر سمنان fr.seraj@gmail.com

^۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، ویراستار، ashrafseraj@yahoo.com

^۳ - Hontum, Schindler

^۴ - Dorn, B

^۵ - Basset, M. James

^۶ - Querry, M. A

^۷ - Geiger, W

^۸ - Bricteux

از بارزترین ویژگی‌های این گویش می‌توان به جنس دستوری، حالت‌های دستوری، ساخت اضافی و وصفی اشاره نمود. آقاگل زاده (۱۳۸۳: ۲۰-۳۶) در مقاله «ترتیب سازگانی پایه در گویش سمنانی» گویش سمنانی را از لحاظ ژنتیکی متعلق به زبان پهلوی اشکانی یعنی شاخه زبان‌های ایرانی شمالی - غربی معرفی می‌کند. او با ارائه شواهدی می‌گوید که اگرچه گویش سمنانی جزء شاخه شمال غربی می‌باشد، اما برخی ویژگی‌های نظام دستوری شاخه زبان‌های شمال شرقی را داراست. تقدم صفت و مضاف الیه بر موصوف و مضاف از جمله این ویژگی‌ها هستند. او با تجزیه و تحلیل تعدادی نمونه گویشی نشان می‌دهد که ترتیب کلمات ساخت وصفی در گویش سمنانی «صفت + موصوف» ساخت ضمیر ملکی «ضمیر + اسم»، ساخت اضافه «مضاف الیه + نشانه اضافی /i/ + مضاف» و ساخت حرف اضافه «اسم + حرف اضافه» می‌باشد. در تمام اسامی مفرد، اعم از خاص، عام، ذات، معنا، اسامی جانوران، گیاهان، خوراکی‌ها، افراد مکان‌ها، اسامی که از زبانی دیگر وارد شده‌اند، جنس دستوری مذکر و مونث وجود دارند (جوهری و پژوم، ۱۳۸۶: ۱۰۵، حقیقت، ۱۳۵۰: ۱۲، کریم، ۱۳۷۵: ۳۲ و سید جلال، ۱۳۷۴: ۵۸-۳۲).

جدول ۱ جنس دستوری در اسامی مختلف

معادل سمنانی	جنس دستوری	نوع اسم	معادل فارسی
?enso:n	مذکر	عام	انسان
ma:f ina	مونث	عام	ماشین
næso:r	مذکر	خاص	نصرالله
sidiqa:	مونث	خاص	صدیقه
?a:so:n	مذکر	ذات	آهن
biltf a:	مونث	ذات	بیلچه
?a:bri	مذکر	معنا	آبرو

اشمیت^۱ (۱۳۸۳: ۴۸۵-۴۸۷) گویش سمنانی را با گویش‌های ناحیه خزری هم خانواده معرفی می‌نماید. اساس طبقه بندی گروه‌ها و زیر گروه‌های گویش ایرانی به ویژه غربی را باید مبتنی بر تلفیقی از همجواری جغرافیایی، ارتباط خانوادگی و هویت قومی دانست و کمتر بر مبنای رده شناسی می‌باشد (همان: ۴۸۵). به رغم نفوذی که زبان فارسی بر گویش‌های گوناگون ایرانی اعمال کرده است، شهر سمنان همچنان گویش خود را حفظ کرده است و نسبت به گویش‌های هم خانواده خود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (همان: ۴۹۰). گویش سمنانی دارای خصوصیتی است که میراث زبان گذشته و کهنش است و همین میراث داری، آن را درخور توجه و مطالعه نموده است. از جمله

^۱ -Rüdiger Schmitt

بارزترین این ویژگی‌ها، حالت‌های نحوی است. این تحقیق توصیفی که از تحلیل محتوایی نیز بهره جسته است و با استفاده از روش کتابخانه ای و میدانی به بررسی مقولهٔ حالت در گویش سمنانی پرداخته است.

۲- حالت و زبان‌های دارای نظام حالت

حالت^۱ تغییر شکل صورت یک اسم یا ضمیر در کاربردهای متفاوت دستوری مانند فاعلی^۲، مفعولی^۳ ملکی^۴، ندایی^۵، ازی^۶، برائی^۷، به ای^۸ و دری^۹ می‌باشد (کریستال، ۲۰۰۳: ۶۳). حالت مقوله‌ای دستوری است که به منظور بررسی طبقه‌ای از کلمات و یا گروه‌های وابسته به آن به کار برده می‌شود، تا روابط نحوی بین کلمات در جمله، مانند حالت فاعلی، مفعولی و غیره را مشخص کند. در طبقه بندی کلاسیک، مانند دستور زبان لاتین تغییرات ساختاری مبین حالت دستوری بوده است. کریستال (همان) به طیف معینی از معنا در بررسی حالت‌هایی چون فاعلی که به فاعل دستوری جمله اشاره دارد و یا حالت اضافی که به مقولهٔ مالکیت می پردازد، قائل است. زبان های متفاوت برخوردار از متفاوتی به این مقوله دارند، مثلا در زبان آلمانی چهار حالت فاعلی، مفعول مستقیم، مفعول غیر مستقیم و حالت ملکی وجود دارند. در این زبان پسوندها و حروف تعریف برای نشان دادن حالت اسم تغییر می‌کنند. در زبان روسی بیش از چهار حالت وجود دارد در حالی که در بعضی زبان‌ها نظام حالت وجود ندارد. در چنین زبان‌هایی ترتیب کلمات یا حروف اضافه نقش‌های دستوری را نشان می‌دهند (دانش پژوه، ۱۳۸۵: ۷۳).

۳- حالت مستقیم و غیر مستقیم

تجلی حالت در زبان‌های دارای حالت، ساختاری مستقیم و غیر مستقیم می‌باشد (دانش پژوه، ۱۳۸۵: ۸۰). حالت غیر مستقیم وقتی است که اسم و یا صفت در بعضی از نقش‌های دستوری نشانهٔ پایانی ویژه‌ای بگیرد. در مقابل آن حالت مستقیم وجود دارد که بدون نشانه می‌باشد. ضمائر هم می‌توانند، از صورت ویژه‌ای برخوردار باشند که در تقابل با حالت مستقیم، نشاندار می‌شوند. به عنوان مثال در گویش سمنانی ضمیر «mo» که به عنوان ضمیر فاعلی افعال متعدی استفاده می‌شود، در تقابل با ضمیر «æ» که ضمیر فاعلی افعال لازم است و حالت مستقیم دارد، قرار می‌گیرد (سید جلال، ۱۳۷۸: ۹۰). حالت مستقیم به عنوان حالت فاعلی و حالت غیر مستقیم به عنوان غیر فاعلی یا متممی در نظر گرفته می‌شود. حالت مستقیم، از نظر تاریخی، صورت تحول یافتهٔ حالت فاعلی و حالت غیر مستقیم،

1 - case
 3- nominative
 3 - accusative
 4 - genitive
 5 - vocative
 6 - ablative
 7 - dative
 8 - instrumental
 9 - locative

صورت تغییر یافته حالت اضافی زبان‌های باستانی می‌باشد. اسم در حالت مستقیم در نقش فاعلی جملات با فعل لازم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالت غیر مستقیم، اسم در نقش‌های فاعل افعال متعدی، نقش مفعول صریح، مفعول غیر صریح و اضافی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اشمیث (۱۳۸۳: ۵۰۷) حالت غیر مستقیم یا غیر فاعلی را در گویش سمنانی شامل موارد ذیل می‌داند، حالت اضافی مفعول صریح، متمم حرف اضافه‌ای و مفعول فعل متعدی در زمان‌های گذشته. میردهقان (۱۳۸۵: ۵) روابط دستوری و معنایی میان گزاره فعلی و گروه‌های اسمی را از مفاهیم بنیادین حالت می‌داند. او سپس به حالت نمایی افتراقی^۱ اشاره می‌کند و معتقد است، این پدیده به تفکیک گروه اسمی به فاعل نمایی نمایی افتراقی^۲ و مفعولی^۳ می‌انجامد. حالت نمایی یا با استفاده از تکواژهای حالت، یا رابطه نماهای فعلی و یا توالی واژگانی صورت می‌پذیرد (همان: ۱۱). تکواژهای حالت نما یا رابطه نماهای اسمی (همان: ۱۲) شامل تکواژهای وندی^۴ و حروف اضافه می‌باشند. تکواژهای وندی، پسوندهایی هستند که نشان‌دهنده حالت اسم می‌باشند. در دستور سنتی به مورد مذکور صرف اسم گفته می‌شود. در بسیاری از زبان‌ها حروف اضافه نشان‌دهنده حالت اسم مانند حالت‌های غیر مستقیم هستند. حروف اضافه قبل از اسم و یا بعد از اسم چنین نقشی را دارند. هرگاه فعل جمله با وندهایی، رابطه دستوری خود را با وابسته‌های خود نشان دهد و یا به عبارتی صرف گردد، حالت نمایی توسط فعل صورت می‌گیرد. در این صورت فعل، مشخصه‌هایی مانند شمار شخص و جنس دستوری را نشان می‌دهد (همان: ۱۵). توالی واژگانی، در زبان‌هایی وجود دارد که فاقد صرف اسم‌اند. جایگاه کلمات نشان‌دهنده حالت کلمه می‌باشند. این زبان‌ها از توالی واژگانی ثابتی برخوردارند. توالی واژگانی در این زبان‌ها معمولاً فاعل، مفعول و فعل است.

میردهقان (۱۳۸۴: ۱۷) به اقتباس به موهانن (۱۹۹۴) نظام حالت را نظامی از مشخصه‌ها می‌داند که عناوینی چون حالت فاعلی، مفعولی، بواسطه، ابزاری، اضافی و مکانی را به صورت قراردادی دریافت می‌کنند. او کاربردهای اصلی حالت را به شرح ذیل اعلام می‌دارد: ۱- فاعلی، که معمولاً نماینگر حالت بی نشان می‌باشد. ۲- کنایی، نشان‌دهنده حالت فاعل فعل‌های متعدی در زبان‌هایی است که فاعل فعل‌های لازم در آن‌ها بی نشان باشند. ۳- پذیرا، حالت مفعول را نشان می‌دهد. ۴- بواسطه، حالت به کار برده شده برای هدف و گیرنده را نشان می‌دهد. ۵- ابزاری، حالت ابزار به کار برده شده در انجام عمل را نشان می‌دهد. ۶- اضافی، بیانگر حالت مالک می‌باشد. ۷- مکانی، حالت مکان فیزیکی را نشان می‌دهد.

در رده شناسی زبان‌ها، چگونگی ارتباط حالت فاعل و مفعول را در قبال یکدیگر و در رابطه با فعل و زمان فعل، از اصطلاح ارگتیو استفاده می‌شود. کلباسی (۱۳۶۷: ۶۱) در بررسی این مسئله، زبان‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کند. ۱- زبان‌های خنثی: در این زبان‌ها فاعل لازم و فاعل متعدی فرم یکسانی با مفعول دارند. ۲- زبان‌های فاعلی و مفعولی: در این گونه از زبان‌ها فاعل لازم و فاعل متعدی یکسان و در تقابل با مفعول قرار می‌گیرند. ۳- زبان‌های ارگتیو مطلق: فاعل لازم و مفعول در تقابل با فاعل متعدی قرار می‌گیرند. ۴- سه گونه: در این دسته از زبان‌ها، فاعل لازم، فاعل متعدی و مفعول صورت‌های متفاوتی با یکدیگر دارند. ۵- نادر: در این گونه از زبان‌ها فاعل متعدی و مفعول دارای صورت یکسان و در تقابل با فاعل لازم قرار می‌گیرند.

۴- حالت در گویش سمنانی

^۱ - Differential Case Marking
^۲ - Differential Subject Marking
^۳ - Differential Object Marking
^۴ - affixed morphemes

با توجه به رده‌بندی زبان های دارای نظام حالت، گویش سمنانی را باید جزء زبان های ارگتیو محسوب کرد که البته زمان وقوع فعل در آن بسیار تعیین کننده است؛ به گونه‌ای که ارگتیو در سمنانی محدود به زمان گذشته است. مثال های ذیل نمایانگر وجود نظام حالت، انواع حالت و چگونگی نمود حالت‌ها و بررسی دقیق تر حالت‌های فاعلی و مفعولی در گویش سمنانی می‌باشد. نمونه‌های ارائه شده، از ضرب المثل ها، کنایات اصطلاحات (عنذلیب، ۱۳۸۴ و جواهری، پژوهم، ۱۳۸۶) و جملات جمع آوری شده در مصاحبه های شفاهی و کتبی است. حالت‌های فاعلی و کنایی و مفعولی در گویش سمنان محدود به نمود کامل فعل یعنی زمان گذشته می‌باشد. اگر فعل، متعدی و گذشته باشد، مفعول آن به صورت حالت مفعولی می‌آید که نمود و تظاهر آن کاملاً صوری و ساختوازی است. در زمان حال، فاعل فعل لازم و متعدی و مفعول بی نشان و بدون نشانه ظاهری می‌آیند. بر طبق دسته بندی‌هایی که کلباسی از چگونگی رفتار زبان ها در مورد فاعل و مفعول داده است، گویش سمنانی در زمان حال جزء زبان های فاعلی و مفعولی و در زمان گذشته جزء زبان های ارگتیو (گسسته) محسوب می‌شود. مثال‌ها در ذیل گویای این دسته بندی می‌باشد.

(۱) پلنگ آهو را می‌خورد.
 Pæleng ?a:hu: mo:xo:re.
 پلنگ آهو می‌خورد

(۲) پلنگ آهو را خورد.
 pælengi a:hu: bo:xo:rd_Ø.
 پلنگ (فاعل کنایی، مذکر) آهو (مفعول، مذکر) پسوند جنس نمای مذکر خورد

(۳) گربه موش را می‌بیند.
 ru:a: mi] mene.
 می‌بیند موش (مذکر) گربه (مونث)

(۴) گربه موش را دیده است.
 ru:en mi] bedit]i
 دیده است موش (مذکر) گربه (مونث)

مثال‌های ۱ و ۳ نمایانگر زمان حال هستند. فاعل و مفعول در آن‌ها بی‌نشان است. توالی واژگانی حالت های مذکور را نشان می‌دهد. در مثال های ۲ و ۴ زمان وقوع فعل گذشته است. فاعل آن‌ها حالت مفعولی و به عبارتی حالت کنایی دارد. مفعول بدون نشانه است. اگر مفعول اشاره به انسان داشته باشد حالت مفعولی دارد که این را با پسوند نمایان می‌سازد.

(۵) آهنگر آسیابان را صدا زده بود.
 ?o:ngæri ?ærvø:ni seda: kærba: .

زده بود صدا آسیابان (مذکر، مفعول) آهنگر (مذکر، فاعل کنایی)

در این مثال هم آهنگر و هم آسیابان دارای پسوند صرفی (i) می‌باشند که حالت مفعولی را نشان می‌دهد. آسیابان مفعول انسان است و از این رو نشاندار است. علاوه بر حالت‌های فاعلی و مفعولی، گویش سمنانی از حالات دیگر نیز بهره می‌جوید. نمونه‌های ذیل این حالات را نشان می‌دهند.

(۶) آدم یکبار توی چاله می‌افتد.

?a:dæm ?idæfæ tæyi meke.

می‌افتد چاله (مونث) توی

یکدفعه آدم (مذکر)

(۷) آدم از گرسنگی بمیرد و منت نکشد.

?a:dæm væfoni pi bəmære vo menneti nendz e .

نکشد منت و بمیرد از گرسنگی آدم

در این جملات کلمه آدم، دارای جنس دستوری مذکر، کننده کار و حالت فاعلی دارد. فعل جمله لازم و زمان آن حال می‌باشد. فاعل در این جملات بی‌نشان است. در جمله (۷) عبارت «از گرسنگی» حالت ازی دارد که با پس اضافه (pi) آمده است.

(۸) آدمی را آفرین و احسنت می‌کشد و الاغ را هم اضافه بار.

a:dæmi ba:rikælla: mokoʃe , xæri hæm səræba:ri .

اضافه بار هم خر (مفعول) می‌کشد آفرین آدم (مفعول)

در این جمله که فعل آن متعدی می‌باشد، آدم و خر مفعول جمله هستند و تکواژ (i), نشانگر حالت مفعولی این کلمات است. با استناد به میردهقان، این تکواژ را باید جزء حالت‌نمای اسمی به شمار آورد که حالت مفعولی مفعول را نشان می‌دهد.

(۹) گنجشک امروزی آمده است، با گنجشک پارسالی در افتاده است.

?a:ru:in mærguz ekæ bijemitʃi , pa:risa:lin mærguz a: næ deketʃi

افتاده است با گنجشک پارسالی آمده است گنجشک امروزی

کلمه گنجشک «marguz a» اسمی مونث در این گویش می‌باشد. گنجشک اول در این جمله، فاعل جمله و حالت فاعلی دارد و گنجشک دوم، همراه با پسوند (næ) آمده است و نماینگر حالت بایی در این جمله است.

(۱۰) اجل سگ که برسد، نان چوپان را می‌خورد.

?esbe ædʒ æl ko: bærese, tʃoppuni nu:ni mo:xo:re.

می خورد نان چوپان (را) برسد که اجل سگ

در این جمله «?esbe» مذکر، فاعل و دارای حالت فاعلی است. اصل کلمه «?esbæ» است و تبدیل «æ» به «e» به دلیل اضافه شدن به کلمه ای دیگر می‌باشد. «tʃoppuni nuni» «مفعول جمله و دارای حالت مفعولی می‌باشد. اما به نظر می‌رسد، حالت مفعولی نمود ساختوازی ندارد و تکواژ «i» در این عبارت تکواژی است که حالت اضافی را نشان می‌دهد. واقعیت دیگری که مشهود است، فرار گرفتن حالت فاعلی بی نشان در تقابل با دیگر حالت‌های نشاندار است. جنس دستوری در سطح واژگان یکی از امکانات دستوری در گویش سمnانی است که در ذیل صرف دو اسم با توجه به جنسیت و حالت های نحوی آمده است.

جدول ۲: صرف یک اسم مونث و یک مذکر در حالت‌های فاعلی، مفعولی مستقیم و غیر مستقیم (جواهری و

پژوم، ۱۳۸۶: ۱۰۷)

مفعول غیر مستقیم	فاعل مستقیم	حالت	جنس
			وشمار
?æsbiræ (برای اسب)	?æsbī (اسب را)	?æsb (اسب)	مذکر مفرد
?æsbunæ (برای اسب ها)	?æsbun (اسب ها را)	?æsbī (اسب ها)	مذکر جمع
ma:dijo:ninæ (برای مادبان ها)	ma:dijonin (مادبان را)	ma:dijo:næ (مادبان)	مونث مفرد
ma:dijo:nunæ (برای / بوسیله مادبان)	ma:dijo:nun (مادبان ها را)	ma:dijo:ni (مادبان ها)	مونث جمع

علاوه بر حالت‌های فاعلی، مفعولی بی واسطه، مفعولی با واسطه، ازی و اضافی حالت‌های دری، و بایی هم در این گویش وجود دارند.

(۱۱) با سوزن چاه می‌کند.

dærzo:ni_næ ke: ma:ko:ne.

می‌کند چاه با سوزن (مونث)

«dærzonæ» (سوزن) از نظر جنس دستوری مونث و حالت بایی را نشان می‌دهد. (næ) حالت بایی جنس مونث را نشان می‌دهد.

ba: ʒ o: ræso:ni ke: næ]a:.

(۱۲) با طنابش به چاه نرو

نرو چاه طنابش با

«ræson» (طناب) مذکر و متمم حرف اضافه با «ba:» است و اجالت بایی را نشان می‌دهد.

(۱۳) سوزن در انبار گاه افتاده است.

dærzo:næ dele: va:]æ lo:nin ket]i

افتاده است

سوزن در انبار گاه

«va:]æ lo:nin» (انبار گاه) دارای جنس دستوری مونث و در حالت دری قرار گرفته است.

مثال‌های ذکر شده، گویای وجود نظام حالت در گویش سمنانی است. تظاهر حالت با استفاده از رابطه نماهای اسمی (تکواژهای حالت نما)، در حالت مفعول مستقیم، غیر مستقیم و اضافی انجام می‌پذیرد ضمن این که حروف اضافه، وظیفه اعمال حالت‌های بایی، ازی و دری را دارند. حالت فاعلی در مورد افعال لازم بی‌نشان است و حالت فاعل برای فاعل افعال متعددی در زمان گذشته، حالت متعدی است. بر اساس نظریات موهانن که میر دهقان به آن اقتباس کرده بود، حالت کنایی در این گویش وجود دارد. حالت کنایی حالتی است که در آن فاعل فعل متعدی متمایز از حالت فاعل فعل لازم است.

(۱۴) عقاب پرید.

?æll bepperij_a: .

جنس نمای مذکر پرید عقاب (مذکر)

در این مثال، فعل جمله لازم (گذشته) و عقاب حالت فاعلی دارد.

(۱۵) عقاب را زدم.

?ælle: bukka:tæn

عقاب (مفعول) زدم

این مثال، حالت مفعول را نشان می‌دهد. تغییر واکنه پایانی از «æ» به «e:» مبین این مسئله است.

?ælle: boxord___ Ø.

عقاب (فاعل متعدی) جنس نمای مذکر خورد

فعل این جمله متعدی است. عقاب در این مثال فاعل، ولی حالت مفعولی دارد. مثال (۱۶) نمایانگر حالت کنایی در این گویش می‌باشد اگرچه گویش سمنانی در زمان گذشته، ساخت ارگتیو دارد و ارگتیو بودن یعنی تقابل فاعل لازم در برابر فاعل فعل متعدی، اما مثال (۱۴) گویای این است که فاعل فعل لازم با مفعول و فاعل متعدی در تقابل قرار گرفته است و بر اساس دسته بندی‌های کلباسی این گویش خصوصیات زبان‌های نادر را نیز داراست.

۵- حالت مستقیم و غیر مستقیم در گویش سمنانی

حالت در گویش سمنانی از دیدگاه دیگر به دو حالت مستقیم و غیر مستقیم قابل تقسیم است. دانش‌پژوه (۱۳۸۵: ۸۰) در توصیف حالت در زبان کردی به دو حالت مستقیم و غیر مستقیم می‌پردازد و می‌گوید: «در بعضی زبان‌ها، اسامی برای تعیین شمار، جنس و حالت تصریف می‌شوند.» در این زبان‌ها بازتاب حالت با استفاده از صورت‌های ساختوازی مستقیم و غیر مستقیم می‌باشد. حالت مستقیم بدون نشانه است، اما در حالت غیر مستقیم، اسامی و بعضی نقش‌های دستوری نشانه‌هایی را دریافت می‌کنند. فاعل افعال لازم، (در تمامی زمان‌ها) در گویش سمنانی حالت مستقیم و بقیه حالت‌ها از جمله حالت مفعولی، اضافی و غیره، نشانگر حالت غیر مستقیم می‌باشند، که این نشاننداری یا معنایی و در بسیاری از موارد ساختوازی است. حالت کنایی (فاعل متعدی) در زمان گذشته، بارز است. نشاننداری معنایی، از طریق مشخصه‌هایی چون جاننداری و معرفگی نمایان می‌گردند. نشاننداری ساختوازی از طریق نشان گذاری ساختوازی عناصر زبانی ارائه می‌شود. حالت مستقیم در گویش سمنانی از نظر واجی دارای تجلی صفر است و دلیل این امر را باید عدم تصریف موضوع‌های مستقیم دانست (میردهقان، ۱۳۸۴: ۶۷). تصریف در این گویش در حالت غیر مستقیم یا موضوع‌های غیر فاعلی با استفاده از پسوندهای حالت نما و حروف اضافه نشان داده می‌شود. نمونه‌های تصریف شده اسم مذکر «?a:dæm» (آدم) و کلمه مونث «?a:dʒ oræ» (آجر) در جدول‌های ذیل گویای مطالب ذکر شده می‌باشند.

جدول ۳: صرف کلمه مذکر «?a:dæm»

نقش / حالت	مثال	حالت نما
فاعلی	?a:dæm	-
کنایی	?a:dæm i	i
مفعولی (صریح)	?a:dæm i	i
بایی	?a:dæmi ræ / ba: ?a:dæm	ræ / ba:

ræ	?a:dæmi ræ	برایی
pi	?a:dæmi pi	ازی
i	?a:dæmi	اضافی
delæ	?a:dæmi delæ	دری

جدول ۴: تصریف کلمه مونث « ?a: dʒ oræ »

حالت نما	مثال	نقش / حالت
-	?a:dʒ o:ræ	فاعلی
i	?a:dʒ o:ri	کنایی
-	?a:dʒ o:ræ	مفعولی (صریح)
næ / ba:	?a:dʒ o:ræ næ ba: ?a:dʒ o: ræ	بایی
næ	?a:dʒ o:ri næ	برایی
pi	?a:dʒ o:rin pi	ازی
i	?a:dʒ o:rin	اضافی
delæ	?a:dʒ o:rin delæ	دری

بررسی دقیق‌تر در صرف اسامی مونث گویای این واقعیت است که ابدال‌ها و تغییرات آوای مسئله قابل توجه‌ای است که اظهار نظر دقیق‌تر در مورد آن به تحقیق دیگری نیازمند است. در حالت‌های بایی، برایی، ازی، اضافی و دری اضافه شدن همخوان « n » از جمله این تغییر است که در صرف اسم مذکر وجود نداشت. این همخوان را باید، نشانه مونث بودن کلمه دانست که در حالت‌های بایی، برایی، ازی، اضافی و دری استفاده می‌شود. به عبارت دیگر آن را باید وندی دانست که بازتابنده جنس دستوری است. نکته قابل توجه دیگر بی‌نشان بودن کلمه آجر در نقش مفعول است. حدس نگارنده این است که جاننداری می‌تواند، عاملی برای نشاندار شدن ساختواژی مفعول باشد؛ به گونه‌ای که مفعول جاندار مورد نشاننداری قرار گرفته و مفعول بی‌جان بی‌نشان باقی می‌ماند، همان‌گونه که در مورد کلمه‌های « ?a:dæm » و « ?a:dʒ o:ræ » صادق است. مثال‌ها و نمونه‌های ذکر شده، گویای این است که، تجلی حالت‌های فاعلی و مفعولی، وابسته به زمان وقوع فعل و لازم بودن یا متعدی بودن آن است، به گونه‌ای که حالت کنایی در زمان گذشته و برای افعال متعدی قابل مشاهده است.

حالت‌های نحوی همچون، فاعلی و مفعولی در گویش سمنانی معرفی گردید. حالت مقوله‌ای دستوری است که به منظور بررسی طبقه‌ای از کلمات و یا گروه‌های وابسته به آن به کار برده می‌شود تا روابط نحوی بین کلمات در جمله، مانند حالت فاعلی، مفعولی و غیره را مشخص کند. حالت در گویش سمنانی، به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شوند. حالت فاعلی در زمان حال به صورت بی‌نشان و حالت‌های غیر مستقیم، در زمان حال و گذشته از نظر معنایی و ساختواژی بروز می‌یابند. حالت کنایی یا فاعل متعدی مختص زمان گذشته است، به گونه‌ای که فاعل کنایی از نظر ساختواژی مورد نشاننداری واقع می‌شود. بررسی نمونه‌ها نشان داد که در گویش سمنانی حالت‌های فاعلی، مفعولی، و دیگر حالت‌های نحوی وجود دارند. حالت نمایی، ساختواژی یا معنایی است. حروف اضافه، پسوندها (تکواژهای حالت نمای اسمی) و توالی واژگانی حالت‌های موجود را نمایان می‌سازند. گویش سمنانی از نظر رده‌بندی نظام حالت، در زمان حال جزء زبان‌های فاعلی و مفعولی و در زمان گذشته جزء زبان‌های ارگتیو محسوب می‌گردد. بروز حالت کنایی در گویش سمنانی منوط به متعدی بودن فعل در زمان گذشته است. جملات و مثال‌ها از گویش سمنانی مؤید وجود نظام حالت بود. حالت مستقیم و غیر مستقیم، حالت نمایی افتراقی گویای وجود نظام حالت در گویش سمنانی است. حالت نمایی در زبان‌های دارای نظام حالت توسط تکواژهای حالت، یا رابطه نماهای فعلی و یا توالی واژگانی صورت می‌پذیرد. تظاهر حالت در سمنانی نیز با استفاده از رابطه نماهای اسمی _ تکواژهای حالت نما _ در حالت مفعول مستقیم، غیر مستقیم و اضافی انجام می‌پذیرد، ضمن این که حروف اضافه، وظیفه اعمال حالت‌های بایی، ازی و دری را دارند. حالت فاعلی در مورد افعال لازم بی‌نشان است و حالت فاعل برای فاعل افعال متعدی در زمان گذشته، حالت متعدی است. در گویش سمنانی حالت کنایی در زمان گذشته وجود دارد. حالت کنایی، حالتی است که در آن فاعل فعل متعدی متمایز از حالت فاعل فعل لازم است. تکواژهای حالت نما یا رابطه نماهای اسمی شامل تکواژهای وندی و حروف اضافه می‌باشند. تکواژهای وندی، پسوندهایی هستند که نشاندهنده حالت اسم می‌باشند که در دستور سنتی به آن صرف اسم گفته می‌شود. گویش سمنانی را باید جزء زبان‌های ارگتیو محسوب کرد که البته زمان وقوع فعل در آن بسیار تعیین کننده‌اند، به گونه‌ای که ارگتیو در سمنانی محدود به زمان گذشته می‌باشد. حالت‌های فاعلی و کنایی و مفعولی در گویش سمنان محدود به نمود کامل فعل یعنی زمان گذشته می‌باشد. اگر فعل، متعدی و گذشته باشد، فاعل آن به صورت حالت مفعولی می‌آید که نمود و تظاهر آن کاملاً صوری و ساختواژی است. در زمان حال، فاعل فعل لازم و متعدی و مفعول بی‌نشان و بدون نشانه ظاهری می‌آیند. بر طبق دسته‌بندی‌هایی که کلباسی از چگونگی رفتار زبان‌ها در مورد فاعل و مفعول داده است، گویش سمنانی در زمان حال جزء زبان‌های فاعلی و مفعولی و در زمان گذشته جزء زبان‌های ارگتیو (گسسته) است. اگر اسامی در حالت فاعلی و مفعولی قرار بگیرند، در صورت گذشته بودن زمان جمله سوم شخص و مفرد بودن، جنس دستوری اسم در حالت فاعلی در فعل بوسیله پسوندهای صرفی منعکس می‌گردد، در حالی که جنس دستوری فاعل متعدی در فعل بازنمایانده نمی‌شود. در دیگر حالت‌ها از جمله بایی، اضافی و غیره، تکواژ «π» گویای جنس دستوری مونث و «Γ» جنس مذکر را نشان می‌دهد، که البته می‌توان این‌ها را وندهای صرفی جنس دستوری محسوب کرد. با توجه به خصوصیات وندهای تصریفی که معنی و مقوله دستوری کلمه را عوض نمی‌کنند، بلکه مواردی چون صرف اسم و فعل را نشان می‌دهند، جنس دستوری را هم باید مقوله‌ای دانست که می‌تواند خصوصیت اسم را نشان دهد. نمایانند این جنبه از خصوصیت اسم در حالت‌های مختلف یا به صورت صرفی، توسط وند صرفی نشان داده می‌شود یا حروف اضافه چنین مسئولیتی را می‌پذیرند. در زبان‌هایی که حالت، نمود صرفی و ساختواژی ندارد، توالی واژگانی، حالت‌های نحوی را نشان می‌دهند.

فهرست منابع فارسی

- آرلاتو، آنتونی. (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. مدرسی، یحیی (مترجم). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۸۴). «ترتیب سازگانی پایه در گویش سمنانی». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پژوهشی در گویش سمنانی*. نهم دیماه ۱۳۸۳، دانشگاه سمنان. ص ۱۹-۳۶
- احمد پناهی سمنانی، محمد. (۱۳۶۶). *فرهنگ سمنانی شرح حال و نمونه آثار محلی شاعران در گویش سمنانی*. تهران: تابش
- _____ (۱۳۸۴). «واژگان خویشاوند در سمنانی و چند گویش کهن ایرانی». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پژوهشی در گویش سمنانی*. نهم دیماه ۱۳۸۳، دانشگاه سمنان. ص ۷۱-۸۶
- اشمیت، رویگرد (ویراستار). (۱۳۸۳). *زبان‌های ایرانی*. رضایی باغ بیدی، حسن و همکاران. (مترجمان) تهران: ققنوس
- ارانسکی، ای.ام. (۱۳۷۹). *مقدمه فقه الغه ایرانی*. کشاورز، کریم (مترجم). تهران: انتشارات پیام
- جواهری، محمد حسن. پژوهم شریعتی، پرویز. (۱۳۸۷). *واژه نامه گویش باستانی سمنانی* (۲ جلدی). سمنان: انتشارات آبرخ
- حقیقت، بیژن. (۱۳۴۹). *گویش سمنانی و آداب و رسوم روستای یوسف آباد*. پایان نامه لیسانس دانشگاه ملی ایران
- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۷۰). *تاریخ قومس*. تهران: انتشارات کومش
- دانش پژوه، فاطمه. (۱۳۸۵). *ارگتیو در زبان کردی (کرمانچی بادینی، سورانی، هورامی)*. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی دانشگاه پیام نور
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۸۳). *زبان شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی*. تهران: انتشارات سمت
- سامارین، ویلیام. (بی تا). *زبان‌شناسی عملی راهنمای بررسی گویش‌ها*. عطاری، لطیف (مترجم) تهران: نشر دانشگاهی
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه
- سید جلال، کامران. (۱۳۷۴). *گویش سمنانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات
- صادقی، علی اشرف. (۱۳۸۴). «تاریخچه پژوهش‌های ایرانی و خارجی درباره گویش سمنان» *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پژوهشی در گویش سمنانی*. نهم دیماه ۱۳۸۳، دانشگاه سمنان. ص ۲۸۹-۲۹۶
- عدلیب سمنانی، خسرو. (۱۳۸۵). *فرهنگ جامع اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های سمنانی*. سمنان: انتشارات آبرخ

- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). آیین نگارش. تهران: سخن
- کریم، حمیدرضا. (۱۳۷۵). مقایسه تصریف فعل در گویش های منطقه سمنان. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تهران
- کلباسی، ایران. (۱۳۶۷). ارگتیو در زبان ها و گویش های ایرانی. مجله زبان شناسی، شماره دوم. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- _____ (۱۳۸۴). «ویژگی های کهن زبانی در گویش سمنانی». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پژوهشی در گویش سمنانی. نهم دیماه ۱۳۸۳، دانشگاه سمنان. ص ۲۹۷-۳۰۲
- گلستان، حسین. (۱۳۷۵). نگاهی در زمانی - همزمانی به مقوله جنس در زبان فارسی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- مقدسی، علی محمد. (۱۳۸۵). سامانه های صرفی و نحوی در گویش سمنانی. تهران: انتشارات آبرخ
- میردهقان، مهین ناز. (۱۳۸۴). حالت نمایی افتراقی در زبان های هندی/ اردو/ پشتو و بلوچی در چهارچوب نظریه بهیگی. رساله دکتری زبان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد
- همایون، همدخت. (۱۳۷۹). واژه نامه زبان شناسی و علوم وابسته. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- یار شاطر، احسان. (۱۳۷۷). زبان ها و لهجه های ایرانی، مقدمه لغت نامه دهخدا، (جلد اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران

فهرست منابع انگلیسی

- Crystal, David. (2003). *A dictionary of linguistics and phonetics*. 5th Blackwell Publishing.
- Hudson, Grover. (2000). *Essential introductory linguistics*, Blackwell Publishing
- Kobitsch, Mirjam and Alexander. (2007- 2008). *The Thousand Accents' I land Languages and Dailects in the Shahrestan Semnan*. University of Uppsala, Sweden and university of Sistan and Bluchestan, Iran
- Presetsky, David. Torrego, Esther. (2002). *Tense, Case and the Nature of Syntactic Categories*. MIT Press

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله